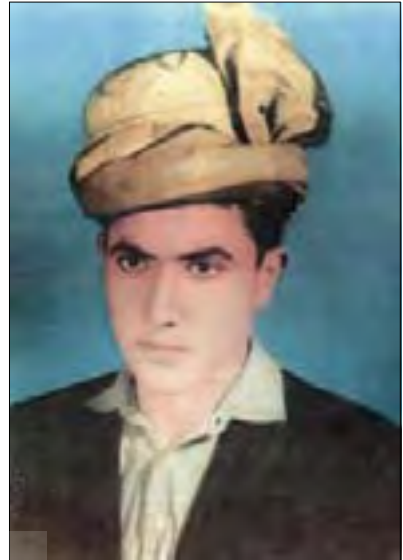


زندگی ساده و شادی داشتیم...

«شهید عارف الحسینی در قامت همسر» در گفت و شنود

شاهد یاران با سارا الحسینی



چگونگی آشنائی و ازدواج خود را با شهید بزرگوار نقل کنید

خانواده ایشان و خانواده ما رابطه فامیلی داشتند و از نزدیک با هم آشنا بودیم و همین امر موجب ازدواج من با شهید شد. من ۱۵ ساله بودم و ایشان ۲۵ سال داشتند. همیشه تعریف اخلاق و رفتار خوب ایشان را می شنیدم و می دانستم که آدم خوبی است و به همین دلیل قبول کردم.

چه تعریفی شنیده بودید؟

اینکه اهل درس و مطالعه و دائما در پی کسب علم و عالم دین است و در نجف درس خوانده است. شهید عارف انسان زحمتکشی بود و همواره تلاش می کرد. هیچ وقت ایشان را بی کار ندیدم. همواره به فکر مردم محروم و مستمند بود و سعی داشت در وضع آنها تغییری ایجاد کند.

شیوه رفتاری شهید با همسر خود مبتنی بر چه اصولی بود؟

شهید همیشه پایبند به اصول اسلامی و شریعت بود. روابط درونی و مسئولیت‌های درون خانواده شهید نیز مبتنی بر همین اصول و شریعت اسلامی بود. ایشان در هیچ معامله‌ای اصول اسلامی را زیر پا نگذاشت.

چه مسائل و رفتارهایی موجبات شادی یا غم شهید را در منزل فراهم می کرد؟

چون زندگی مان خیلی ساده بود، لذا هیچ گونه تلخی و ناراحتی در خانه مان ایجاد نمی شد. زندگی اش همیشه ساده و طبق اصول و قواعد اسلامی بود، لذا هیچ گونه ناراحتی ایجاد نمی شد. البته اهتمام به تربیت اسلامی فرزندان و پایبندی به اصول و اخلاق اسلامی موجبات شادی شهید را فراهم می کرد و کوتاهی و سهل انگاری در این امور موجب ناراحتی شهید می شد.

شهید در تربیت فرزندان چه شیوه‌ای داشتند؟

ارتباط شهید با فرزندان بسیار عالی بود و بسیار به آنها محبت می کرد. با توجه به سن کم فرزندان ما، شهید برای تربیت فرزندان و تحصیلشان اهتمام می ورزید. البته اکثر وقت شهید صرف فعالیت‌های فرهنگی و دینی می شد و اوقات کمی را در خانه بود، ولی همان زمان اندک را تماما صرف خانواده می کرد. بسیار با محبت بود و اخلاق خوشی داشت. رفتارش طوری بود که همیشه حضورش در خانه، شادی به همراه می آورد و حتی همسایه‌ها هم از دیدن ایشان خوشحال می شدند و به ایشان علاقه داشتند.

هدف شهید از تربیت اسلامی فرزندان ساختن آنان برای ارتش امام زمان (عج) همراه با خدمت به جامعه و ملت بود. ایشان حتی به شوخی هم قائل به دروغ گفتن با بچه‌ها و برای بچه‌ها نبود، یعنی به بچه‌ها نیز اجازه نمی داد که حتی به شوخی هم دروغ بگویند. با همه فرزندان نیز انس و محبت مساوی داشت و با هم در این زمینه یکسان برخورد می کرد. شهید شیوه‌ای را اتخاذ می کرد که به موجب آن فرزندان ایشان طبق سیرت و تعلیمات آل محمد بزرگ شوند.

اشتغال شهید در بیرون از منزل تا چه میزان بر رفتار ایشان در داخل منزل تاثیر گذار بود؟

شهید حیات خویش را برای امام زمان (عج) و ملت و وطن خود وقف کرده بود. با توجه به مسئولیت شهید، زندگی ایشان خیلی فعال بود، اما باز هم تاثیرات ایشان روی خانواده و افسرد آن مثبت بود. حالات درونی خانواده، برخورد با فرزندان و تربیت آنان خوب بود. همراه با مسائل دیگر زندگی و معروفیت شهید، مسئولیت‌های خانوادگی را نیز طبق اصول اسلامی به‌طور احسن ایفا می کردند.

شهید نسبت به رشد علمی و تربیتی بانوان تا چه میزان اهتمام داشتند؟

ایشان احترام زیادی برای مقام زن قائل بودند و به مادرشان و همسرشان احترام زیادی می گذاشتند. همراه با تعلیم و تربیت مردان، بر تعلیم و تربیت زنان نیز تاکید فراوان داشتند. ایشان به برخورد و تربیت یکسان معتقد بودند. شهید می خواست در وضعیت فعلی جامعه، خانم‌ها نیز در همه ابعاد زندگی پیشرفت کنند و دانش و هنر را فرا گیرند. شهید نسبت به

شهید حیات خویش را برای امام زمان (عج) و ملت و وطن خود وقف کرده بود. با توجه به مسئولیت شهید، زندگی ایشان خیلی فعال بود، اما باز هم تاثیرات ایشان روی خانواده و افراد آن مثبت بود. حالات درونی خانواده، برخورد با فرزندان و تربیت آنان خوب بود.

حجاب خانم‌ها تاکید فراوانی داشتند. در نظر شهید و در تربیت و تعلیم بانوان، حجاب از اهمیت والا می برخوردار بود.

شیرین ترین و تلخ ترین خاطره شما از دوران زندگی با شهید چیست؟

تمامی زندگی مشترک با ایشان برای من خاطرات شنبینی است و این نعمتی بود. با شهید در طول حیاتم هیچ گونه تلخی رخ نداد. ما نسبت به زندگی ساده‌مان مطمئن و شاد بودیم. شهید هر کاری را برای رضای خداوند انجام می داد.

اگر کار خیری هم انجام می داد و از ایشان تشکر می شد، می گفت برای خدا بوده است.

آیا تصدی رهبری شیعیان از اهتمام شهید به وظایف خانوادگی کاست یا خیر؟

حیات شهید قبل و بعد از رهبری شیعیان مساوی بود. همیشه روش ایشان با خانواده و بیرون خانواده یکسان بود و محبتش همیشه بیشتر می شد. معروفیت بیرون از خانه هیچ تاثیر منفی بر خانواده نگذاشت.

خبر شهادت ایشان را چگونه دریافت کردید؟ از برگزاری مراسم تشییع و عزاداری چه خاطراتی دارید؟

خبر شهادت شهید برای مان قابل تحمل نبود و نمی دانم این را چگونه تحمل کردم. البته می دانم که با مشکل این حادثه ناگوار را تحمل کردم. جدا شدن از ایشان تاسف‌آور بود، اما خوشحالم که به درجه رفیع شهادت نائل گردید. شهیدی که زندگی و جان و مالش را فدای سیدالشهداء (ع) کرده بود، واقعا لایق شهادت بود. خبر شهادتشان را به من به بهانه فوت عمویش دادند. من در آن زمان در پیوار (جایی که خانه پدری شهید در آنجاست) بودم. فقط برای چند لحظه جسد مبارکش را دیدار کردم و این هم در لحظه تشییع جنازه‌اش بود. من هم شهادتش را به او تبریک گفتم.

مراسم عزاداری‌اش در همه پاکستان و در کشورهای اسلامی و حتی غربی برگزار شد. ما چون در محلی زندگی می کردیم که فرهنگ خاصی دارد، لذا شرکت در مراسم برایم میسر نبود. البته از عظمت برگزاری تشییع و مراسم عزاداری برای ایشان مطلع می شدم که اصلا سابقه نداشت.

به نظر شما علت به شهادت رساندن ایشان چه بود؟

به نظر من کسانی ایشان را به شهادت رساندند که از نقش موثر و تعیین کننده او در اعتلای اسلام و شیعه در پاکستان آگاه بودند و نمی خواستند چنین اتفاقی پیش بیاید. آنها می دانستند که نمی توانند او را از راهی که می رود باز دارند. معتمد رژیم بعث عراق، و هابیبون و امریکانمی خواستند امام خمینی دیگری در پاکستان پدید آید. علاقه شهید به امام قابل وصف نیست و تصمیم داشت راه ایشان را ادامه بدهد و به همین دلیل برای امریکا تهدیدی محسوب می شد.

پس از سپری شدن دو دهه از شهادت ایشان، حضور ایشان را تا چه حد ملموس می بینید؟

شهید برای من هنوز هم زنده است. انسانی مانند او هرگز نخواهد آمد. بسیار آدم خوبی بود. همه هدفش گسترش و تبلیغ اسلام و ساختن مدرسه و حوزه علمیه برای آگاهی و تربیت جوان‌ها بود. همواره سر نماز دعا می کرد که خداوند، شهادت را نصیب او کند و خدا هم دعایش را مستجاب کرد. بعد از گذشت بیست و یک سال هم احساس می کنم که او هنوز از دنیا رفته است. یادش روز به روز تازگی پیدا می کند. الان هم او را حس می کنم. افکار شهید زنده است. همان گونه که امام راحل تاکید کرده بودند که افکار شهید را زنده نگه دارید، لذا افکار شهید هنوز هم زنده‌اند. ■